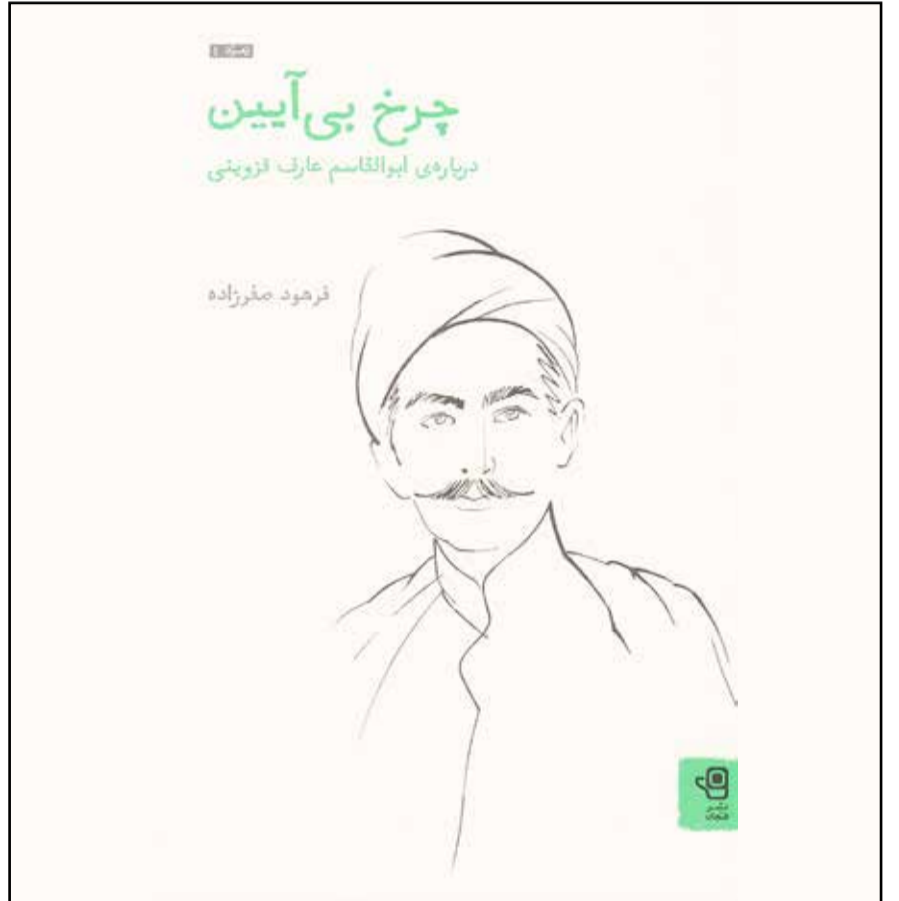


مروری بر کتاب «چرخ بی آیین» نوشته «فرهود صفرزاده»

عارف قزوینی، سوخته آرمان خواهی تحولات اجتماعی، سیاسی



بیبا یاری

فرودپاشی مناسب ترین واژه‌های است که می‌توان در توصیف آنچه بر سر مشروطه خواهان همگی «شاعقیبت به خیر» آمد به کار برد. تصویر همه آمل و آرزوهای که بعد از مشروطه سرانجام در استبداد صغیر مضمحل شد و دست آخر بدون قیام و قعود به سلطنت رضاخان تسلیم گشت. این تمام آن چیزی است که سرانجام یک انقلاب برای مردمانش به دست داده: عقیم ساختن اندیشه‌های آرمان گرایانه و متلاشی

کردن آرمان خواهان، که در پی همین فروپاشی و ویرانی است. پر بیراه نیست که آن آرمان گرایان پرشور دیروزی در کوره افسردگی تیره روزانه عمر بسوزانند و از تمام کردار گذشته خویش تبری جویند. راستی چه کسی فکر می‌کرد آن سر شوریده عارف بر هوادار، به تبعید خودخواسته در گمنامی و فقر مطلق آخر عمر در بی خبری بینجامد؟ آویی که به گفته سپانلو «روزش به انقلاب می‌گذشت و شیش به عشرت جویی».

کتاب «چرخ بی آیین» فرهود صفرزاده، پژوهشی است که تصویر درستی از عارف به دست می‌دهد، او عارف را پیش چشم ما از لابه لای نوشته‌ها، اشعار و مرام‌دانش در برهه‌های تاریخی و زندگی عادی بیرون می‌کشد و قامت بلند او را آن چنان ترسیم می‌کند که گویی سال‌ها با او زیسته‌ایم و آشنای سالیان درازمان بوده است، از این روست که خلق تنگ عارف و اخلاق تند او را در سراسر کتاب لمس می‌کنیم و گاهی به تنگ می‌آییم از این همه عناد او با خویشستن و از این همه بی‌زاری و رویگردانی او از جامعه معتمد مشروطه و البته خوش باوری که او را بدین جا، به بیراهه کشانده است.

می‌کند و به جایی می‌کشاند که گویی ما عارفی هستیم که فیلم آن روزگار تاریخی را می‌بینیم و البته همانند ناظر کل که آگاه به امروز و شرایط بعد از انقلاب هست ایرادات و اشکالاتش را به خوبی در می‌یابیم و گاهی قضاوت‌مان را بر اساس رویدادهای ۸۰ سال پیش می‌گذاریم و گاهی از امروز برای گذشته تعیین تکلیف می‌کنیم. هر چند که ما تجربه دوانقلاب را پشت سر گذاشته‌ایم و عارفی را به قضاوت شاید بنشینیم که در بطن اولین انقلاب مدنی قاره آسیا می‌زیست و آن روزگار پر تلاطم و تحول را از سر گذرانده است. و اینجاست که هنر پژوهشگر آشکارا در چشم خواننده رخ می‌نماید چرا که خواننده با یکسری برگه‌ها و برش‌های تاریخی مواجه نیست بلکه پیوستگی تاریخ آن روزگار و زندگی عارف در هم تنیده شده که بر کشیدن این رویکرد از میان نوشته‌ها و گفته‌های متناقض درباره عارف هنر بزرگی است که نویسنده کتاب با احاطه به موضوع، خود را چند پله از اثر قبلی بالاتر قرار داده است.

کناره گیری اثر از داوری درباره سوژه و پیدا نبودن ردی از هواداری در آن برای هر خواننده حسی و رای رویدادهای تاریخی بر می‌انگیزد و نویسنده در حالی که عارف را همانند یک باستان شناس از زیر خروارها خاک زمان بیرون می‌کشد چهره‌های منحصر بفرد را از او با خواننده می‌دهد که شاید تا کنون کمتر برای عموم آشکار شده باشد. آن گونه که شفیی کدکنی به استناد همین چهره ویژه که خویش پیش تر به خوبی در یافته درباره عارف می‌گوید: «زین صراحت که توداری به ره کینه و مهر/عجبی نیست پس از مرگ هم از در بدری».

درباره عارف و خلق تندش، ذوق شیرین و اشعارش زیاد شنیده‌ایم اما در این کتاب به جزئیات می‌توانیم علت آن کتاب هر شعر و یا تصنیف را در سیر کروئولوژیکال زندگی او ببینیم و با

زمانه‌اش بسنجیم و بدانیم چرا کابینه سیدضیاء آرزو می‌کند و یا چرا در دورهای امیدش به رضاخان است. و چرا تصنیف «هنگام می» یا همان «از خون جوانان وطن» را به حیدر خان عمواغلی هدیه کرده است. و یا چرا با عبدالله دوامی و شاگردان مدرسه وزیری اختلاف در بیان تحریر در تصنیف و تلفیق شعر و موسیقی داشت. و البته در ورا اینها نیک و بد گرانش‌های سیاسی او را بسنجیم هم او که در جشن نصرت ملی که هر ساله در ۲۹ مردادماه توسط علی‌خان ظهیرالدوله در جمع اخوان صفا برگزار می‌شد در اولین کنسرتش درست ۲۰ روز بعد از مرگ شیخ فضل الله نوری این شعر را خواند: «به صوفیان خرابات مژده ده، امروز که شیخ شهر حریفان ز اعتبار افتاد».

هر چه باشد او یک شاعر یا به قول ایرج میرزا که به منظور تخفیف دادن شخصیت این شاعر واژه تصنیف ساز را در خطاب او به کار برد و البته تا آخر عمر این بر چسب روحیه عارف را آرزو، عارف یک موزیسین و ترانه‌ساز است و شایسته نیست همچون سیاستمداران دوران مشروطه از او انتظار تفکری دیگر می‌داشت. فرهود صفرزاده در این کتاب با حسن روایت برش تاریخی زندگی عارف قزوینی را به مخاطبان نشان می‌دهد و خاطر نشان می‌سازد که بهتر است یک شاعر، یک موزیسین، یک خواننده همچنان در حوزه خویش قدم بردارد و دل به سیاست روز نبندد که عاقبت ناخوشی برایش سراسر از افسردگی رقم می‌زند.

چرا که به تأیید جای جای کتاب، هر بار تاریخ مشروطه را در لابه لای تصانیف عارف می‌یابیم بیشتر حسرت برانگیز است و خواسته‌ای محال بر زبان جاری می‌سازد که ای کاش عارف تنها برای زیبارویان دل به نیما برده از خویش تصنیف می‌سرود و می‌خواند و از حوزه عشق آدمیزادی به موضوع اجتماعی -

حجم عظیم ار جاعات و مطالعات و واکنشی دقیق رویدادها به فراخور حجم کتاب، بدون عقیم ماندن روایت و از دست رفتن رشته بحث، ناشی از مهندسی عظیمی در دیتاها است که مولف از عهده آن به خوبی بر آمده است

سیاسی روزگار پای نمی‌نهد؛ هر چند موضوعات اجتماعی آن دوران آوازه او را برای همیشه در کتاب تاریخ ثبت کرده است اما قوت شوریدگی و روحیه عاشقانه او بیش از هر چیزی بر قوت موسیقی ایرانی می‌افزوده و بس.

چرخ بی آیین که کنایه زیر کانه‌های است از روزگاری که بر عارف رفته و عارف از دست آن به روزگار سپاهی نشسته، در مجموعه کارهای فرهود صفرزاده در نشر فنجان، در حوزه شناخت افراد مشهور موسیقی ایرانی گامی روبه جلو از جانب نویسنده نسبت به دو کتاب دیگرش صبا و درویش خان و در این نوع پژوهش هاست. کتابی که قامت عارف را بدرستی ترسیم می‌کند و روایتش را در تاریخ زمانه خودش به مامی شناساند و حسرت‌های به دل مانده او و روزگار را می‌فهماند؛ تصویری است که پیش تر در کمتر جایی بدین شیوه از عارف نوشته شده است.

حجم عظیم ار جاعات و مطالعات و واکنشی دقیق رویدادها به فراخور حجم کتاب، بدون عقیم ماندن روایت و از دست رفتن رشته بحث ناشی از مهندسی عظیمی در دیتاها است که مولف از عهده آن به خوبی بر آمده است و این مساله تأیید چندبار هایت بر وجود یک مولف مسلط برای جبران خلأ چند دهه‌ای در تالیفی همزمان قابل استفاده برای عموم و نیز اهلی موسیقی در تاریخ موسیقی ایرانی.

نوا

مدیران ارشاد پشت میز نشینی را رها کنند
روزهای پر غصه موسیقی نواحی

هوشنگ جاوید

همواره از همان ابتدای ایجاد پستی به نام مسئول موسیقی در ادارات استانی وزارت ارشاد پرسیدم: کار اینها چیست؟ اگر قرار باشد این مدیران پشت میز نشین باشند و کارت ورود و خروج بزنند هیچ اتفاقی در موسیقی استان نخواهد افتاد. همین هم شد، بعد از ۴۰ سال، هیچ نشانی از هنرمندان به طور جدی در استان‌ها نداریم. این در حالی است که ده‌ها بار بانک اطلاعاتی هنرمندان تشکیل شد، اما الان نا کار آمدی آنها هم به چشم می‌آید، چون با تعویض مدیریت‌ها به طور کلی این گردآوری اطلاعات به فنا رفته و روز از نور روزی از نو!! بر این باورم وقت یک بازنگری مجدد در دستور کار دو عنوان مسئولیت در ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی فرار سیده، یکی مسئول موسیقی، دیگری مدیر امور هنری. من معتقدم این افراد باید از قید پشت میز نشستن خلاص شوند و مدام در استان به سر کشی و شناسایی و ثبت هنرمندان واقعی فعال بپردازند تا پس از یک برنامه ریزی دقیق دیگر نیازی به این گونه گله گذاری‌ها به وقت لازم و عقده گشایی هانباشد. بهتر است باور کنیم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چهار دهه اخیر، شرایط نامطلوبی را ایجاد کرده که اکنون در حال سرباز کردن است. باید یک درون‌نگری جدی در این زمینه پدید آید و گر نه آش همان آش و کاسه همان کاسه و هنرمندان بی نصیب.



کاش مسئله ماجرای حیدر علی عاشق استادی که طی روزهای گذشته از او در رسانه‌ها مسائلی درباره بیمه و درمان او مطرح شد، تنها دغدغه ما بود. اما همین الان نزدیک به دست کم دو بیست هنرمند پیشکسوت استان‌ها در بدترین وضعیت معیشتی و بیماری به سر می‌برند و تا یک نفر یک خبری کار نکند و کسی چیزی نگوید، روال همان است که بود. حیدر علی، عاشق بزرگی در نقطه مرزی ایران منطقه نوخندان در تگز است، او استاد نوازندگی کمانچه و سرنای کردی (کرمانجی) است که در آن ناحیه فعالیت می‌کند، این روزها هیچ حال مناسبی ندارد و در بیمارستان به سر می‌برد.

نونا

هورک هورک

(موسیقی نواحی ایران ۷۶)
سال انتشار: ۱۳۹۹
موسیقی شمال خراسان (قوچان)
روایت کرمانجی و فارسی
آواز: حسین عزیزی پور
دوتار: سعید طهرانی زاده
پژوهش، ترجمه اشعار و نگارش متن: سعید طهرانی زاده
ناشر: ماهور

حسین عزیزی پور، معروف به حسین عزیزی یکی از خوانندگان مشهور موسیقی شمال خراسان است. او در سال ۱۳۲۲ در شهر آباد بجنورد به دنیا آمده است. صدای او در جوانی و تا حدود میان سالی در رده سوپرانو بوده و آثاری از او موجود است که تونیک آنها حدود نت می‌اکتا چهارم است. کم و کیف چنین صدایی در میان خوانندگان این ناحیه که آثار آنها در دسترس است، کم نظیر و نادر است. کارگان او شامل آهنگ‌هایی با کلام پارسی و کرمانجی است. او از آموزش‌های اساتید برجسته‌ای همچون حمزه ابراهیم سبزواری، حاج غلامحسین برزنده (معروف به نوازنده) و ولی رحیمی، بهره مند بوده است و در طول سالیان فعالیت خود، به همراه اساتید دیگری همچون حسن یزدانی، لطیف لطفی، نیاز علی صحراوروستن، آقاجان عطایی، پرویز دردی و خصوصاً خلیل یوسفی در مجالس و محافل اجرا داشته است.



۱. نظم و انضباط برنامه او با شروع و پایان در ساعت مقرر احترام به مخاطبی بود که وقتش را برای این برنامه از پیش تنظیم کرده بود.
۱۲. لذت دیدن یک کنسرت به صورت آنلاین با این اجرا محقق شد چرا که تا چند روز بعد از اجرا، فیلم کامل آن در شبکه‌های مجازی نبود و از این لحاظ مخاطبی که اجرا را به صورت آنلاین ندیده بود واقعاً یک کنسرت زنده را از دست داده بود که دیگر تکرار شدنی نبود. ضمن اینکه واکنش‌ها به لحظات خاص این اجرا را می‌توان از آن لحظه که کوک سه تار در رفت و مخاطبی که بلا درنگ حس آه بر زبانش آمده بود و آن را استوری کرده بود به خوبی فهمید. اجرای او لحظه به لحظه در اینستاگرام واکنش مخاطبان را می‌ساخت که زنده و بویایی این اجرا را و رای عرصه مجازی ارائه آشکار می‌کرد.
۸. دسترسی به کنسرت او از شبکه مجازی مورد دسترسی اغلب ایرانیان یعنی اینستاگرام فراهم آمده بود و خبری از فروش انحصاری به اپراتورهای گوناگون و به زحمت انداختن مخاطب برای منفعت سرمایه‌داران نبود. و نشان داد اهل معامله مخاطب نیست.
۹. او کنسرتش را در جایی که رنگ و بویی از هنر داشت یعنی موزه آگینه اجرا کرد که علاوه بر زیبایی محل اجرای او، مخاطب نیز برای دیدن چنین موزه زیبایی ترغیب شود.
۱۰. صاحب منصبی یا کسی غیر از گروه کنسرت در فضای برنامه حاضر نبود و کسی نیز به صورت اختصاصی به عنوان مهمان برای دیدن کنسرت به محل دعوت نشده بود. چرا که تمام علاقه‌مندان برای او یک اندازه ارزشمند بودند و همگی به صورت عادلانه و برابر از اینستاگرام اجرا را دیدند. مخاطبی بر دیگری رجحیت نداشت.

دومین کنسرت کیهان کلهر با پخش از شبکه‌های مجازی

فردا شب، «شهر خاموش» در خانه‌ها دیدنی می‌شود

لیلاموسی زاده

کیهان کلهر، آهنگساز و نوازنده پر آوازه کمانچه، دوشنبه سیزدهم مردادماه دومین کنسرت خود را به صورت آنلاین و از طریق صفحه اینستاگرام به مخاطبان تقدیم می‌کند. کلهر موزیسین شناخته شده موسیقی ایرانی با انتشار پستی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام از برگزاری تازه ترین کنسرت آنلاین خود در روز دوشنبه سیزدهم مردادماه از شهر تهران خبر داد و ایراز داشت: «دوشنبه سیزدهم مردادماه، شهر خاموش را در خانه‌هایتان می‌نوازیم. فروردین ۹۸ و در شرف تور «شهر خاموش» قرار بر رفتن به اغلب شهرهای کشورمان را گذاشتیم که بخشی از برنامه‌های نیز کنسرت برای هم وطنانمان در شهرهای مرزی و از سرگیری اجرای رایگان پیرو تور قبلی در مناطق محروم بود که به دلیل شیوع بیماری کرونا امکان پذیر نشد. از این رو تصمیم بر ادامه این اجرا به صورت پخش زنده در فضای مجازی با امکان دسترسی رایگان برای همه مخاطبان در اینستاگرام و یوتیوب گرفتیم تا در این احوال برای ساعتی هم‌دلانه در کنار هم بنوازیم و بشنویم. و به این منظور دو مکان زیبا که برای تمام ایرانیان خاطر انگیز و عزیز است را در تهران و اصفهان انتخاب کردیم

که اطلاعات آن متعاقباً به شما عزیزان اعلام می‌شود.»
خردادماه گذشته کیهان کلهر کنسرت آنلاین سه تار نوازی خود را در موزه آگینه تهران اجرا کرد که با استقبال مخاطبان همراه شد. ضمن اینکه او در این اجرا نشان داد برای دسترسی همه افراد به صورت رایگان اهمیت فراوانی قائل است و هرگز حاضر به ارائه هنر خود از مجاری سفارشی و خاص نشده است. کنسرتی که کلهر به صورت رایگان در اختیار علاقه‌مندان قرار داد ویژگی‌های تأییدی بر این بود که چرا کیهان کلهر علاوه بر هنرمندی و نوازندگی بی‌مثال در آذهان مردم عزیز و گرمی داشته می‌شود.
۱. هدف ارائه موسیقی برای مردم به صورت رایگان بود. همه تلاش‌ها به جهت ارائه موسیقی بود و بس.
۲. کلهر خودش بود، با ظاهر و صحنه‌ای معمولی، ساده و بی تکلف.
۳. او در این برنامه خلاف عادت معمول نوازندگی خود با برنامه‌های جدید ظاهر شد. برای کلهری که همواره نامش با ساز کمانچه در آذهان متبادر می‌شود تک‌نوازی سه تار برنامه ویژه‌ای بود که برای مخاطبانش اندیشیده بود.

۴. او هنر عرضه کرد نه چیزی دیگر، حاشیه‌های کنسرت او بعد از اجرا کمترین بود و تنها موضوعی که پس از کنسرت او مورد بحث بود موسیقی بود و لاغیر. آن هم در کیفیتی که اغلب از آن راضی بودند.
۵. بعد از اجرای او سراسر شبکه‌های اجتماعی مملو از بیان احساسات مخاطبان همراه برش‌هایی از فیلم این اجرا بود که حسن تأثیر این اجرا را به خوبی نمایان می‌کرد. مساله‌ای که مهم‌ترین جنبه یک اجرای عمومی است و تأثیری که در جامعه مخاطبان دارد و وسعت تأثیر یک هنرمند را نشان می‌دهد.
۶. اجرای او اجرای بی‌واسطه پخش شده بود چرا که هیچ اپراتور تلویزیون تعاملی در آن به عنوان واسطه نقش نداشت تا احیاناً برنامه با اندکی تأخیر و ممیزی به مخاطب ارائه شود؛ چرا که کلهر از تباط بی‌واسطه با مخاطبان‌اش از طریق شبکه‌های مجازی دارد.
۷. ادای احترام خویش به استاد محمدرضا شجریان که حال در بستری بیماری است و روزگاری نه چندان دور در کنار هم به اجرا می‌پرداختند را به صورت قطعه‌های موسیقایی انجام داد و تصریح کرد بیان موسیقایی در عمل به زبان موزیسین‌ها بر تر از هر حرف زدن و سخنرانی است.